

مطالعه اشتباه قراردادی در نظام حقوقی ایران و انگلیس بر پایه رویکردهای ذهنی‌گرایی و عینی‌گرایی

محمدحسین نوتی زهی^{۱*}، جلیل قنواتی^۲

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران
۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۹

دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

چکیده

شرط تشکیل قرارداد، توافق طرفین است اما این توافق ممکن است با وجود اشتباه مختل شود. تشخیص اشتباه قراردادی و تعیین حدود و ثغور آن، مبتنی بر دو رویکرد عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی صورت می‌پذیرد. در رویکرد ذهنی‌گرا، ذهنیت طرفین به قرارداد شکل می‌دهد و در صورت تعارض ذهنیت متعاقدين با قرارداد، ذهنیت متعاقدين ارجح است اما در رویکرد عینی‌گرا، معیارهای عینی در مقام اختلاف تعیین‌کننده‌اند و قرارداد با توافق ظاهری طرفین شکل می‌گیرد. در نوشته حاضر، سؤال اصلی نگارنده این است که تشخیص اشتباه قراردادی و تعیین حدود و ثغور آن در حقوق ایران و انگلیس مبتنی بر کدام یک از رویکردهای سابق صورت می‌پذیرد. برخلاف آنچه گفته می‌شود، حقوق ایران مانند حقوق انگلیس عینی‌گرا است. در این پژوهش که مبتنی بر روش تحلیلی-توصیفی است، نگارنده ابتدا شباهت‌ها و تفاوت‌های مبنایی حاکم در حقوق ایران و انگلیس را مشخص کرده است و با بررسی مسائل مربوط به اشتباه قراردادی، بار ذهنی‌گرایی صرف، وضعیت عینی‌گرایی را در دو نظام مذکور شناسایی می‌کند. واژگان کلیدی: اشتباه در خود موضوع معامله، اشتباه در شخص طرف معامله، ذهنی‌گرایی، عینی‌گرایی.

Email: m.nootizehi@ut.ac.ir

*نویسنده مسؤول مقاله:



۱. مقدمه

عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی^۱، دو رویکرد حاکم بر قراردادهای تلقی شده‌اند. در رویکرد عینی‌گرایی، الفاظ قرارداد و صورت عرفی واژه‌ها مدنظر است و به‌جای اینکه بر وجود ذهنی الفاظ در اذهان متعاقدين تأکید شود، به معنای رایج و عرفی الفاظ و کلمات توجه می‌شود (williston, 1920, p.617). اما در رویکرد ذهنی‌گرا، بر معیارهای شخصی و ذهنی توجه می‌شود باید تا حد امکان الفاظ قرارداد را به همان معنایی که طرفین در ذهن داشته‌اند، تفسیر کند (Corbin, 1952, p. 538).

از نظر رتبه و درجه‌بندی، رویکرد عینی‌گرا، پیچیدگی بیشتری از رویکرد ذهنی‌گرا دارد و به درجات مختلف عینی‌گرایی حداقلی، عینی‌گرایی میانه و عینی‌گرایی مطلق تقسیم می‌شود. عینی‌گرایی حداقلی^۲ فرض خود را بر معیارهای عینی استوار می‌کند؛ با این حال، مجال ظهور و در نظر گرفتن استثنائات ذهنی فراوان است؛ اما در رویکرد میانه^۳، عینی‌گرایی غالبیت دارد و به صورت اندک، معیارهای ذهنی نفوذ می‌یابند. نهایتاً، رویکرد عینی‌گرایی مطلق^۴ بدون هیچ‌گونه اعتنایی به ذهنیت افراد، تحلیل مسائل حقوقی را صرفاً بر معیارهای عینی استوار می‌کند. رویکرد اخیر صرفاً در عالم نظر مطرح شده و عملاً هیچ‌کدام از نظام‌های حقوقی به آن قائل نیستند (Leiter, 1993, p. 189-192).

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های طرح عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی، مبحث اشتباه قراردادی است. در این مبحث سؤال اصلی این است که رویکرد نظام حقوقی (مشخصاً حقوق ایران و انگلیس) در پذیرش موضوع اشتباه در قراردادها، موضع عینی‌گرانه دارد یا موضع ذهنی‌گرایانه. اگر نظام حقوقی موضع عینی‌گرا داشته باشد، اشتباه را با توجه

۱. در عینی‌گرایی، حقیقت مستقل از ذهنیت فرد شکل می‌گیرد اما در ذهنی‌گرایی حقیقت متصل و قائم به ذهنیت اشخاص است (Richardson and Bowden, 1983, p. 552-553). به همین دلیل در ترجمه فلسفی subject و object به ترتیب معنای «درون ذات» و «برون ذات» استعمال شده است. (فروغی، ۱۳۹۵: ص ۲۸۷).

2. Minimal Objectivism
3. Modest Objectivism
4. Strong objectivism



به ملاک‌های عینی خواهد سنجید؛ اما اگر نظام حقوقی موضع ذهنی‌گرایانه داشته باشد، اشتباه بر اساس ملاک‌های ذهنی تحلیل خواهد شد. بنابراین، تبیین رویکرد عینی‌گرایی یا ذهنی‌گرایی در بحث مزبور، اهمیت ویژه‌ای دارد. در این باره، هرکدام از نظام‌های حقوقی رویکرد خاصی را مورد پذیرش قرار داده‌اند که برای فهم آن‌ها، در وهله اول می‌بایست به منابع حقوقی آن نظام رجوع کرد (Burton, 2009, p.10-11) تا با تحلیل منابع، مبانی مورد پذیرش استنتاج شود. قابل ذکر است که در موضوع بررسی اشتباه بر پایه معیارهای عینی‌گرایانه و ذهنی‌گرایانه در حقوق ایران، تحقیق جامعی صورت نگرفته و صرفاً در کتب حقوقی اشاراتی به این موارد شده است. در این پژوهش که تطبیقی است رویکرد عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی در مبحث اشتباه قراردادی در حقوق ایران و انگلیس بررسی می‌شود. نخست، نوع نگاه عینی‌گرایانه و ذهنی‌گرایانه در اشتباه قراردادی بررسی و سپس، وجود این دو معیار در مبنا و ملاک تشخیص اشتباه و همچنین موضوعات مختلف قراردادی تحلیل می‌شود.

۲. مفهوم عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی در اشتباه قراردادی

در حقوق قراردادهای ایران، «اشتباه» عبارت است از «تصور نادرست معامله‌کننده درباره یکی از ارکان و عناصر عقد» (صفایی، ۱۳۸۳، ص ۸۷). در حقوق انگلیس، بیشتر حقوقدانان و نویسندگان حقوقی اشتباه را تعریف نکرده‌اند اما به صورت کلی اشتباه، به باور نادرست تعبیر شده است (Mckeag, 1968, p.10-15). در این مقاله آنچه مدنظر است، شناخت معیار پذیرش اشتباه است که در دو رویکرد عمده عینی و ذهنی خلاصه شده است.

در رویکرد عینی، اشتباه می‌بایست بر اساس مؤلفه‌ها و عناصر عینی نظیر: (۱) کلیت و روح قرارداد، (۲) مفاد قرارداد، (۳) اهداف قرارداد، (۴) معانی عرفی واژگان، (۵) عرف و رویه‌های تجاری و (۶) سایر شرایط و اوضاع و احوال عینی، تحلیل و ارزیابی شود (Burton, 2009, p.41-50)، اما اگر رویکرد ذهنی‌گرایانه حاکم باشد، معیار ذهنی حاکم

خواهد بود و اشتباه بر اساس مؤلفه‌های ذهنی از قبیل: (۱) مرحله مذاکرات مقدماتی معامله، (۲) رویه معاملات قبلی طرفین، (۳) شهادت طرفین اثبات می‌شود (Ibid, p. 51-57).

برخلاف رویکرد عینی‌گرا، در رویکرد ذهنی گرا مجال گسترده‌تری برای پذیرش اشتباه وجود خواهد داشت؛ زیرا در پذیرش اشتباه تصورات بی‌حد و حصر طرفین در قرارداد وارد می‌شود و ضرورتی بر عینیت اشتباه نیست (perillo, 2000, p.70-73). برای مثال، نظام فرانسوی در پذیرش اشتباه و انواع آن، رویکردی ذهنی‌گرایانه دارد و متعاقباً، مجال بیشتری برای پذیرش دعاوی اشتباه وجود دارد (Barnes, 2008, p 386).

قابل‌ذکر است که بحث مزبور در قالب اراده ظاهری و باطنی در فقه امامیه مسبوق به سابقه می‌باشد و در تشکیل و اثبات اشتباه دو رویکرد مختلف فوق وجود دارد که به نظر عده‌ای، پذیرش اراده باطنی در اشتباه، نتایج ناعادلانه‌ای در پی داشته و حقوقدانان با توجه به ماده ۲۲۴ قانون مدنی در مقام عمل تا حد زیادی اراده ظاهری و معیارهای عرفی را مؤثر دانسته‌اند (کشاورزی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۶).

۳. مبنای پذیرش اشتباه و مؤلفه‌های تشخیص آن

به‌منظور تبیین رویکرد حقوق ایران و انگلیس در موضوع اشتباه قراردادی لازم است در مرحله اول مبنای پذیرش اشتباه و مؤلفه‌های تشخیص اشتباه در دو نظام مذکور تحلیل شود.

۳-۱. مبنای پذیرش اشتباه

مبانی مختلفی همچون عیب اراده، عدم تراضی طرفین، قاعده اخلاقی و مصالح اجتماعی، به‌عنوان مبنای پذیرش اشتباه بیان شده‌اند. در حقوق ایران نیز، مشهور است که مبنای پذیرش اشتباه، عیبی است که بر اجزای اراده وارد می‌شود. برای تبیین اراده گفته شده

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی فرانسه مصوب ۲۰۱۶

است که «بعد از تصور یک عمل و تصدیق آن، یک کیفیت نفسانی حاصل می‌شود که آن را اراده خوانند» (کاظمی، ۱۴۳۸ ق، ص ۶۷).

در فقه امامیه، قصد و رضا را دو موجود نفسانی موجد اراده دانسته‌اند (موسوی جنوردی و ملیحی، ۱۳۹۴، ص ۴). قانون‌گذار ایران نیز، اخلال در قصد را موجب بطلان می‌داند (۱۹۱ ق.م) و عیب در رضا را موجب عدم نفوذ (۱۹۹ ق.م). مواد مذکور، مبین ضمانت اجرای عدم نفوذ اشتباه به جهت عیب رضا است.

حقوقدانان ایرانی نیز با تحلیل اینکه اشتباه در قصد انشاء خلل وارد می‌کند و با استناد به مواد ۳۵۳ و ۷۶۲ قانون مدنی در عقد صلح، اشتباه در طرف مصالحه یا در مورد صلح را موجب بطلان عقد می‌داند، قائل به این نظر شده‌اند که کلمه عدم نفوذ در مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ قانون مدنی در معنی اعم از بطلان و عدم نفوذ به معنی خاص استفاده شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۹، ص ۱۰۰). البته باید توجه داشت که اشتباه و تأثیر آن همیشه یکسان نیست گاهی به‌اندازه‌ای مهم است که سبب بطلان و گاهی زمینه فسخ را موجب می‌شود (صفایی، ۱۳۸۳، ص ۸۷).

حال با این اوصاف باید دید منظور از اراده، معنای ظاهری آن است یا معنای ذهنی آن؟ در فقه امامیه یکی از فقیهان معاصر با پذیرش معنای ظاهری (کشاورزی، ۱۳۹۶، ص ۱۸۱)، محل اعمال قاعد العقود تابعه‌القصود را فقط در نظریه اراده ظاهری می‌داند (نائینی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۰۷). از این رو، الفاظ ایجاب و قبول کاشف از قصد هستند و افکار و مقاصد درونی فرد نمی‌توانند مؤثر باشند (صادقی‌مقدم و شکوهی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۳۲-۱۳۳).

به بیان یکی از حقوقدانان، قانون مدنی هم تحت تأثیر فقه امامیه از نظریه اراده ظاهری پیروی می‌کند (لنگرودی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۲)، اما در مقابل این نظر گفته‌اند که «هرگاه اراده واقعی با آنچه اعلام شده متفاوت باشد، اراده واقعی حاکم بر عقد است، مگر اینکه قانون حکم دیگری داشته باشد» (کاتوزیان، ۱۳۹۹، ص ۱۹۵). از دید طرفداران

هر دو نظر، مبنای پذیرش اشتباه تخطی از اراده (اراده ظاهری یا باطنی) عنوان شده است (استادی، ۱۳۸۷، ص ۹۷).

در حقوق انگلیس، عدم تراضی مبنای پذیرش اشتباه است (Anson, 2002, p.31). تراضی امری دوطرفه است و اشتباه زمانی در قرارداد اثرگذار است که دو طرف عقد در آن دخیل باشند. در این باره، می‌توان به تقسیم‌بندی اشتباه در حقوق انگلیس اشاره کرد. در حقوق این کشور اشتباه به سه نوع تقسیم شده است: ۱) اشتباه مشترک، ۲) اشتباه متقابل و ۳) اشتباه یک‌جانبه (Stone and Devenney, 2015, p. 312). در دو نوع اول، طرفین فرض اشتباهی دارند و نوع سوم هم طرفی که اشتباه نکرده باید به اشتباه طرف مقابل آگاه باشد (Turner, 2009, p.138).

مضاف بر تقسیم‌بندی اشتباه، رویه قضایی این کشور هم بر عدم تراضی به عنوان مبنای اشتباه تأکید داشته است. برای مثال، قاضی اتکین در پرونده بل علیه لور برودرس^۱ اشتباه را به معنای فقدان تراضی یا خلل در آن توصیف می‌کند (Treitel, 1995, p.801). به زعم برخی، مبنای فوق به علت وجود مصالحی چون استحکام معاملات و لزوم حفظ منافع شخص باحسن نیت، پدید آمده (Mckeag, 2002, p.32) و به همین سبب گفته شده، به محض ادعای اشتباه، دادگاه‌ها نباید به سراغ اشتباه بروند و باید اشتباهات بسیار جدی مانع تحقق از توافق تلقی شود (Upex, 2002, p.133). در همین باره، اصلی با این مضمون مطرح می‌شود که «به‌طور کلی، قراردادها بر پایه اصل عینی [که حاکم است بر اصل ذهنی] صحیح هستند» (Treitel, 1995, p.468). البته ابتداء به عدم تراضی از دو جهت تحدید گشته است. اولاً: طرف معامله در مقابل معنای متعارف الفاظ و رفتار خود مسئول است. ثانیاً: اگر سوءنیت احراز شود به دلیل نظم معاملات ادعای عدم تراضی مورد قابل‌پذیرش نیست.^۲

1. Bell v Lever Brothers Ltd, UKHL 2., AC 161., All ER 1

2. Tamplin v James (1980)



بنابراین، برخلاف حقوق انگلیس که مبنای اشتباه را عدم تراضی می‌داند، در حقوق ایران مستنبت از ماده ۱۹۹ قانون مدنی که عدم نفوذ معامله را به جهت مخدوش بودن رضای معامله می‌داند، مبنای پذیرش اشتباه عیب اراده است.

۲-۳. مؤلفه‌های تشخیص اشتباه

فهم مؤلفه‌های تشخیص اشتباه و مطابقت آن با مؤلفه‌های عینی و ذهنی نیز می‌تواند در به دست آوردن یک نظریه واحد راهگشا باشد. در حقوق ایران، به‌زعم یکی از حقوقدانان، «قانون مدنی ظاهر را محترم می‌شمرد و معانی الفاظ عقد را محمول بر معانی عرفی آن‌ها می‌داند»^۱ ... اثبات اشتباه در موردی که ادعا تنها جنبه روانی دارد و در گفتگو و شرایط بروز نکرده است، به‌غایت دشوار می‌نماید. حقوق، وسیله کشف پدیده‌های روانی را ندارد و به‌ناچار باید انسانی متعارف را معیار قرار دهد» (کاتوزیان، ۱۳۹۹، ص ۴۰۷).

مضاف بر ظاهر، معانی عرفی الفاظ و فهم انسان متعارف از دیگر مؤلفه‌های عینی هستند. در واقع، الفاظ در قالب علائم و نشانه‌های خارجی ظاهر می‌شوند و ماهیتی عینی و خارجی دارند و در این تحلیل، به داوری انسانی متعارف تعبیر گشته‌اند. لذا قصد طرفین به‌صورت نوعی ارزیابی می‌شود و الزاما منطبق با اراده واقعی اشخاص نیست. استفاده از این مؤلفه‌ها در ابزارهای ابراز قصد که در حقوق ایران منحصر در الفاظ، اشاره و عمل قبض و اقباض شده‌اند، صورت می‌گیرد (قنواتی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۴-۱۷۶). علاوه بر مؤلفه‌های فوق، از نظر اصولی، در خصوص ادعای اشتباه، اصل بر عدم اشتباه است (شهیدی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۲). این اصل با ظاهر، رابطه مستقیمی دارد؛ زیرا در خصوص ادعای اشتباه ظاهر این است که به هنگام تشکیل عقد، پندار طرفین با واقعیت انطباق دارد.

۱. مطابق ماده ۲۲۴ قانون مدنی: الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه.

بنابراین می‌توان در حقوق ایران قائل به این نظر شد که تشخیص اشتباه بر مؤلفه‌های عینی (۱) ظاهر، (۲) معانی عرفیه الفاظ، (۳) علائم و نشانه‌های خارجی و (۴) داوری انسان متعارف، استوار است. برای مثال، دیوان عالی کشور در استدلالی که کاملاً عینی‌گرایانه است، بیان داشته که خواهان به علت بدهی مجبور به فروش خانه شده و از مندرجات پرونده معلوم می‌شود که خواهان اهل محل و عالم به قیمت ملک بوده است. فلذا شخص بااطلاع اقدام به معامله نموده و ادعای اشتباه پذیرفته نیست.^۱ در تأیید استفاده مؤلفه‌های عینی در تشخیص اشتباه در رویه قضایی ایران نیز رأی صادره از شعبه ۵۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران^۲ در خصوص عدم تأثیر اشتباه در اصلاح شماره پلاک ثبتی در توافق‌نامه قابل استناد است که این رأی بیان می‌دارد: «نظر به این‌که اصل بر حاکمیت اراده طرفین است و الفاظی که طرفین در قراردادها به کار می‌برند از حجیت برخوردار هستند و شماره پلاک ثبتی که طرفین در قرارداد به کار می‌برند با اراده طرفین به کار می‌رود و منظور و مقصود طرفین که تلاقی اراده‌ها در قالب ایجاب و قبول بیان می‌نمایند، همان است که در قرارداد ظاهر شده است و بدون اراده هر دو طرف امکان تغییر شماره پلاک ثبتی در سند عادی نوشته شده بین طرفین خلاف اصول حقوقی است ... و اگر هر دو طرف قصد تغییر شماره پلاک ثبتی را داشته باشند باید آن را اعلام دارند یا نسبت به شماره قیدشده در قرارداد اقاله نمایند و عقد جدیدی را منعقد کنند. النهایه هر یک از طرفین اگر ادعای اشتباه در شماره پلاک ثبتی موضوع قرارداد داشته باشند با توجه به ماده ۲۰۰ قانون مدنی و مقررات آن از قبیل ماده ۳۵۳ همان قانون و قاعده (ماوقع لم یقصد و ما قصد لم یقع) آنچه واقع شده مورد قصد نبوده و آنچه مورد قصد بوده صورت خارجی پیدا نکرده می‌توانند ادعای خود را مطرح کنند».

۱. رأی شماره ۵۸۷، مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۵، شعبه هشتم دیوان عالی کشور

۲. به شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۶۹۵۰۰۴۳۳ مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۲



در حقوق انگلیس ظاهر مفاد و متن قرارداد اهمیت دارد و در همین خصوص، گفته-اند: «معنای کلمات و الفاظ قراردادی توسط دادگاه مشخص می‌شود و رویکرد دادگاه‌ها عینی‌گرایانه است» (Treitel, 1995, p.602). بنابراین، در تشخیص اشتباه اولویت اصلی با ظاهر مفاد^۱ و متن قرارداد^۲ است.

علاوه بر این، عواملی نظیر عرف^۳، انفعال مدعی اشتباه^۴، متعارف بودن اشتباه^۵ و داوری انسان متعارف در تشخیص اشتباه در رویه قضایی این کشور پذیرفته شده است. مؤلفه‌های مذکور همگی از جمله مؤلفه‌های عینی هستند و ارتباطی به تصور واقعی طرفین در معاملات ندارند. تفصیل این مؤلفه‌ها در بخش رویکرد حقوق انگلیس در مواجهه با موضوعات قراردادی خواهد آمد.

۴. اشتباه در موضوعات مختلف قراردادی

پس از تحلیل و شناسایی مبنای پذیرش و مؤلفه‌های تشخیص اشتباه در حقوق ایران و انگلیس، رویکرد حقوق ایران و انگلیس در مواجهه با موضوعات مختلف قراردادی تحلیل می‌شود.

۴-۱. رویکرد حقوق ایران در مواجهه با موضوعات قراردادی

در حقوق ایران، موضوعات موردتوجه در اشتباه قراردادی عبارت‌اند از اشتباه در انگیزه‌های درونی، اشتباه در خود موضوع معامله و اشتباه در شخص طرف قرارداد.

۴-۱-۱. اشتباه در انگیزه‌های درونی
در حقوق ایران، اشتباه در انگیزه‌های درونی مؤثر در قرارداد نیست. منظور از انگیزه-های درونی، اهداف باواسطه‌ای است که شخص را ترغیب به انشای قرارداد می‌کند.

1. Ordinary meaning
2. The words of contract
3. Hartog V Colin and Shields, {1939} 3 All E.R.566
4. Lewis v Averay [1972] 1 QB 198
5. Tamplin v James (1980)

مثلاً خانه‌ای می‌خرد و ممکن است انگیزه خرید او، دایر نمودن محل کار یا اجاره دادن باشد؛ بنابراین، اشتباه در انگیزه یا جهت معامله کاملاً جنبه شخصی دارد و مؤثر در عقد نیست (امامی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۷۳).

در فقه امامیه نیز هیچ تردیدی راجع به عدم تأثیر اشتباه در انگیزه‌های درونی وجود ندارد (انصاری، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۲۶۹؛ نائینی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۴۰؛ خوئی، ۱۳۷۴، ص ۲۹۱) و چنانچه چیزی به قصد درآید و مکشوف به کاشف از قصد نگردد، از قلمرو انشاء خارج است. در واقع، برای تشکیل عقد صرف اراده کافی نیست و اراده باید ابراز شود تا منشأ اثر گردد (خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۱؛ معروف الحسنی، بی‌تا، ص ۴۴۳ - ۴۴۴).^۱

البته اگر انگیزه یا جهت معامله در عقد تصریح شود و منطبق با واقعیت نباشد، به علت اینکه از ارکان اساسی نیست، خللی به عقد وارد نمی‌آید مگر اینکه به صورت شرط ضمن عقد باشد که در این صورت، مشروط له می‌تواند عقد را فسخ کند (شهیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰).

در این باره، رأی صادره از شعبه ۳۵ دادگاه تجدیدنظر تهران^۲ قابل ذکر است که مرجع مزبور، اشتباه در تشخیص محدوده طرح عمرانی را در اعتبار حقوقی قراردادی که شهرداری با مالک جهت تملک ملک وی منعقد نموده است، غیر مؤثر دانست. مرجع مزبور بیان داشت که «... امکان تحقیق و بررسی اینکه محل مزبور در طرح شهرداری واقع گردیده یا خیر برای خواهان وجود داشته و اصل بر صحت انجام معاملات می‌باشد و انگیزه در صحت انجام معامله تأثیری ندارد...».

۱. ماده ۱۹۱ قانون مدنی در این خصوص مقرر می‌دارد: «عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند».

۲. به شماره دادنامه ۹۲۰۹۹۷۲۲۳۰۰۷۲۵ مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۲۴



۴-۱-۲. اشتباه در خود موضوع معامله

در حقوق ایران مطابق ماده ۲۰۰ قانون مدنی، «اشتباه وقتی موجب عدم نفوذ معامله است که مربوط به خود موضوع معامله باشد». این ماده برگرفته از ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی سابق فرانسه است که اشتباه را هنگامی موجب بطلان قرارداد می‌داند که مربوط به خود موضوع معامله باشد. خود موضوع معامله هم به زعم بسیاری راجع به وصفی است که متعاملین در نظر داشته‌اند (Seriaux, 1998, p.59)؛ بنابراین خود موضوع معامله در حقوق فرانسه با رویکرد ذهنی‌گرایانه وضع شده است زیرا مفهوم خود (سابستنس) در نظر متعاقدين بررسی می‌شود و صورت عرفیه موضوع قرارداد مطمح نظر نیست (Catala, 2006, p.170).

در حقوق ایران، برخی معنایی عرفی برای مفهوم خود موضوع معامله قائل شده و گفته‌اند: «منظور از ماهیت مورد معامله ذات عرفی آن است» (شهیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۰). در فقه امامیه نیز موضوع معامله به هر آن چیزی که تشکیل‌دهنده هویت و صورت عرفیه کالا است، اطلاق می‌شود (نائینی ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۲۵۴؛ طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸ ق: ص ۵۹؛ آل کاشف الغطاء، ۱۳۵۹ ق، ص ۴۵). ماده ۳۵۳ قانون مدنی نیز مؤید این نظر است. این ماده مقرر می‌دارد «هرگاه چیزی معین به عنوان جنس خاصی فروخته شود و در واقع از آن جنس نباشد بیع باطل است».

اما برخی معتقدند که «مقصود از خود موضوع معامله مجموعه اوصافی است که در دید عرف صورت نوعیه یا جنس مورد معامله است، یا دو طرف آن را وصف اساسی می‌دانند» (کاتوزیان، ۱۳۹۷، ص ۲۰۰)؛ بنابراین وصف اساسی (خود موضوع معامله) در نظر ایشان، اعم از صورت عرفیه و وصف اساسی موردنظر متعاقدين است. این دیدگاه که سعی در اثبات نظریه مختلط (شخصی- نوعی) را دارد، وصف اساسی موردنظر متعاقدين را زمانی مؤثر می‌داند که در قلمرو تراضی قرار گیرد (کاتوزیان، ۱۳۹۹، ص ۴۸۸).

بنابراین، در اینکه اشتباه در صورت عرفیه مورد معامله یکی از مصادیق ماده ۲۰۰ قانون مدنی و اشتباه در خود موضوع معامله است، اختلافی وجود ندارد؛ اما در خصوص نظریه مختلط، نگارنده معتقد است که اشتباه ناشی از وصف، خارج از شمول ماده ۲۰۰ قانون مدنی است و این وصف بر اساس خیار تخلف از وصف، به شخص دارای خیار حق فسخ قرارداد می‌دهد.

اما اگر وصف موردنظر قید تراضی باشد در صورت عدم انطباق مورد معامله با آن وصف، تراضی شکل نمی‌گیرد (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۴-۱۲۳). بر این اساس، در حالتی که وصفی قید تراضی بوده و این وصف منطبق با واقعیت نبوده باشد، عدم انعقاد عقد ناشی از عدم تراضی است نه اشتباه در خود موضوع معامله. در این خصوص نیز مدعی اشتباه باید، مقید بودن تراضی به وصف موردنظر را به اثبات برساند؛ بنابراین اشتباه در خود موضوع معامله مقرر در ماده ۲۰۰، صرفاً اشتباه در صورت عرفیه را در برمی‌گیرد و ارتباطی با اوصاف موردنظر متعاملین ندارد.

۳-۱-۴. اشتباه در شخص طرف معامله

در حقوق ایران، آثار و مبانی اشتباه در شخص طرف معامله به‌طور کلی با آثار و مبانی اشتباه در موضوع یکی است (صفایی، ۱۳۷۵، ص ۳۲۳). منتها، مطابق ماده ۲۰۰ قانون مدنی، اشتباه در موضوع معامله موجب عدم نفوذ است؛ درحالی‌که ماده ۲۰۱ اشتباه در هویت را زمانی که علت عمده باشد، موجب خلل در صحت معامله می‌داند. مطابق ماده اخیر، اشتباه در شخص طرف معامله، لزوماً تأثیرگذار نیست و اصل بر عدم تأثیر اشتباه در شخصیت است مگر اینکه شخصیت علت عمده عقد باشد. در توضیح علت عقد بودن شخص طرف معامله گفته‌شده که «هر جا ملاحظه شخصیت طرف عقد یا یکی از صفات او باعث و محرک اصلی طرف دیگر باشد شخصیت طرف علت عمده عقد است» (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ص ۹۷).

در مورد معیار سنجش علت عمده عقد، بنا به نوع و شرایط قرارداد ضوابطی تعیین گشته است. مثلاً در قراردادهای رایگان و قراردادهایی که مهارت یا حسن سلوک طرف



در اجرای تعهد اهمیت دارد، شخصیت طرف علت عمده عقد دانسته شده است (همان، ص ۹۸). همچنین در عقد نکاح که عوضین معامله در آن به معنی خاص وجود ندارد،^۱ شخصیت طرفین علت عمده عقد محسوب می‌شود. در همین باره، یکی از فقها می‌گوید: «اصولا متعاقدين رکن در قرارداد نیستند، بلکه عوضین رکن هستند و البته گاهی طرف قرارداد رکنیت پیدا می‌کند» (خمینی، ۱۳۹۲، ص ۵۲). از این رو، در عقد نکاح همیشه شخصیت طرف مقابل علت عمده عقد محسوب می‌شود؛ بنابراین، به نظر نگارنده حقوقدانان ایرانی برای فهم علت عمده بودن طرف عقد، از نوع و ماهیت قرارداد که جنبه عینی دارد، استمداد جسته‌اند.

از طرفی دیگر، «تمیز علت عمده‌ی عقد گاه دشوار است و تنها راه چاره رجوع دادرسی به اعلام دو طرف و استفاده از ظاهر و عرف در هر دعوا است» (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ص ۹۴). از این رو، به نظر نگارنده حتی حقوقدانان ایرانی که شخصیت طرف عقد را از دید متعاملین واجد اهمیت می‌دانند، در عمل برای سنجش علت عمده بودن شخصیت، معیاری عینی‌گرایانه ارائه داده‌اند.

در تایید نظر مذکور، اداره کل حقوقی قوه قضاییه با استفاده از برخی مؤلفه‌های عینی در نظریه مشورتی چنین بیان می‌دارد: «علت عمده بودن شخصیت می‌تواند مقصود طرفین باشد و این امر، یا ممکن است ضمن عقد بیان شود یا از اوضاع و احوال معلوم باشد».^۲

مطابق این رویکرد، معاملات از راه دور و معاملات حضوری تفاوتی ندارد زیرا در هر صورتی که مطابق قواعد فوق، شخصیت طرف واجد اهمیت و محرک اصلی عقد باشد، علت عمده عقد قابل فهم است. در واقع، معیار این است که شخص طرف معامله

۱. البته برخی معتقدند که زوجین عوضین عقد نکاح هستند (شهیدی، ۱۳۹۰: ص ۲۴۹).

۲. نظریه مشورتی به شماره ۷/۹۷/۱۹۲۲ مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۳۱

علت عمده باشد؛ خواه معامله از راه دور باشد، خواه معامله حضوری باشد. این مهم به‌صراحت از فحوی ماده ۲۰۱ قابل استنتاج است.^۱

۲-۴. رویکرد حقوق انگلیس در مواجهه با موضوعات قراردادی

موضوعات موردتوجه حقوق انگلیس در اشتباه قراردادی عبارت‌اند از اشتباه در انگیزه‌های درونی، اشتباه در موضوع قرارداد، اشتباه در جنبه اساسی قرارداد و اشتباه در شخص طرف معامله که ذیلاً به‌اختصار بیان شود.

۲-۴-۱. اشتباه در انگیزه‌های درونی^۲

در تقسیم‌بندی اشتباه در حقوق انگلیس، جایگاهی برای اشتباه در انگیزه‌های شخصی ترسیم نشده است و اشتباه باید در موضوع معامله یا طرف آن باشد. در اشتباه مشترک هر دو طرف در یک موضوع دچار اشتباه می‌شوند و در اشتباه متقابل هر یک از طرفین تصور متفاوتی از موضوع قرارداد دارند. در این دو نوع اشتباه، تصور و یا انگیزه درونی یکی از طرفین به‌تنهایی اهمیت ندارد. در اشتباه یک‌جانبه صرفاً یکی از طرفین دچار اشتباه می‌شود، اما در صورتی این اشتباه در سرنوشت قرارداد تأثیرگذار است که طرف دیگر از اشتباه طرف مقابل آگاه باشد یا فرض بر این باشد که می‌بایست آگاه باشد؛ بنابراین این قواعد، در حقوق این کشور اشتباه در انگیزه‌های درونی یکی از طرفین معامله در قرارداد مؤثر نیست زیرا پیش‌بینی ذهنیت دقیق اشخاص دشوار است و نمی‌شود به ادعاهای مربوطه ترتیب اثر داد مگر اینکه انگیزه‌های درونی عینیت پیدا کند (MacMillan, 2010, p.292-293). از این‌رو، در صورت عینیت یافتن اشتباه، آگاهی طرف دیگر از اشتباه مفروض است.

۱. در همین باره گفتنی است که ماده ۴ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ آورده که «در مواقع سکوت و یا ابهام، محاکم قضایی باید بر اساس سایر قوانین موضوعه و رعایت چارچوب فصول و مواد مندرج در این قانون قضاوت نمایند»؛ بنابراین، راجع به معاملات از راه دور فحوی ماده ۲۰۱ جاری است.

2. Unexpressed intentions



۴-۲-۲. اشتباه در موضوع معامله

اشتباه در موضوع معامله در حقوق انگلستان در حد گسترده‌تری نسبت به سایر انواع اشتباه پذیرفته است و این امر به دلیل ماهیت بازار محور و اقتصادی نظام حقوقی انگلیس است ((Mckeag, 1968, p.68؛ اما باین‌حال، مواجهه حقوق انگلیس با مسئله اشتباه در موضوع معامله دارای ضوابط و معیارهایی است که در دو پرونده مهم به شرح زیر بیان شده است:

در دعوی تامپلین علیه جیمز،^۱ خواننده مسافرخانه و مغازه مجاور آن را در مزایده‌ای می‌خرد. فرض خواننده هنگام پیشنهاد مزایده آن بود که دو باغچه‌ای مجاور مسافرخانه را نیز خریداری کرده است؛ اما در واقع، باغچه‌ها نه در اسناد مربوط به مزایده قید گشته بود و نه فروشنده قصد فروش آن‌ها را داشت.

از این رو، دادگاه استدلال خواننده را مردود می‌شمارد و چنین بیان می‌دارد که اولاً: طرف قرارداد دارای سوءنیت نیست تا با استناد به اشتباه ذهنی، از انجام تعهدات خود شانه خالی کند. ثانیاً: حتی با فرض اینکه خواننده مرتکب اشتباه شده باشد، دارای حسن نیت بوده است. لذا، در هر صورت مرتکب بی‌احتیاطی و سهل‌انگاری شده و به همین دلیل باید از خواهان (فروشنده) در مقابل چنین اشتباه غیرمتعارفی حمایت نمود؛ بنابراین نظم عمومی و متعارف بودن اشتباه، مبنای رأی دادگاه می‌شوند.

در این دعوا دادگاه دو نکته مهم بیان کرد: (۱) در مواردی که طرف مدعی اشتباه سوءنیت دارد، بر اساس نظم عمومی اشتباه قابل‌پذیرش نیست. (۲) مدعی اشتباه می‌بایست منفعل عمل نکند و اقداماتی برای کشف حقیقت انجام دهد و به عبارت دیگر، اشتباه باید متعارف باشد تا مورد پذیرش قرار گیرد.

در دعوی واجد اهمیت دیگری تحت عنوان هارتوگ علیه کالین و شیلدس،^۲ فروشنده به خریدار پیشنهاد فروش هر پوند (واحد وزن) پوست خرگوش به ۱۰۱ پوند را داد. در عرف تجاری پوست خرگوش به صورت عددی فروخته می‌شد نه وزنی. قابل‌ذکر است

1. Tamplin v James (1980)

2. Hartog V Colin and Shields, {1939} 3 All E.R.566

که هر پوند (واحد وزن) شامل سه عدد پوست خرگوش می‌شد. اینجا، فروشنده به اشتباه هر عدد پوست خرگوش را به یک‌سوم قیمت فروخت. از طرفی فروشنده در واقع در واحد اندازه‌گیری موضوع معامله دچار اشتباه شده بود. دادگاه رأی داد: «خواهان (خریدار) باید متوجه وقوع یک اشتباه در ایجاب می‌شد و خوانده اصولاً الزامی به تحویل پوست‌ها باقیمت مذکور نداشته است». (Turner, 2011, p.52-57).

استدلال دادگاه، استدلالی مبتنی بر شیوه عینی‌گرایی است زیرا مطابق معیار ذهنی باید بررسی می‌شد که آیا واقعاً خریدار از این امر مطلع بوده است یا نه؟ اما استدلال دادگاه مبتنی بر عرف تجارتهی محل بود و جهل به این عرف مؤثر واقع نشد. در این پرونده به دلیل وجود عرف، نیازی به استفاده سایر شیوه‌های فهم آگاهی طرف مقابل مدعی اشتباه احساس نشد. یکی از حقوق دانان این کشور، در این خصوص معتقد است «اگر انسانی متعارف در آن موقعیت از اشتباه آگاه می‌بود، طرف مقابل مدعی اشتباه آگاه فرض می‌شود» (James, 1979, p.232).

۴-۲-۳. اشتباه در موضوعات اساسی قرارداد^۱

هرگاه اشتباه متعلق قصد را هدف قرار دهد، اشتباه در موضوعات اساسی خواهد بود و در حقوق ایران، اگر قصد وجود نداشته باشد، قرارداد باطل می‌شود؛ اما در حقوق انگلیس، به دلیل اهمیت اصل الزام‌آور بودن قراردادهای اشتباه در موضوعات اساسی قرارداد، لزوماً موجب ابطال قرارداد نیست؛ هرچند در مواردی، ممکن است قرارداد باطل شود (Treitel, 1995, p.800). در تأیید مدعای مزبور به آرای اشاره می‌کنیم. در پرونده «بل علیه برادران لور»^۲ مدیرعامل شرکت، قرارداد خدماتی دو تن از کارکنانش (بل و اسنلینگ) را علی‌رغم آگاهی به نقض قرارداد استخدامی از سوی آن‌ها، به ترتیب با سی هزار پوند و بیست هزار پوند، فسخ و بازخرید کرد. درحالی‌که می‌توانست بدون پرداخت مبلغی، قرارداد ایشان را فسخ نماید. از این رو، با طرح دعوا

1. Mistake as to the fundamental terms of the contract
2. Bell V Lever Brothers Ltd (1932), UKHL 2,, AC 161,, All ER 1



درصد ابطال قرارداد بازخرید شد و در دادگاه بدوی و تجدیدنظر پیروز شد؛ اما مجلس اعیان رأی علیه شرکت خواهان صادر کرد.

لرد آنکین از اعضای اکثریت اظهار داشت: «هیچ چیز خطرناکتر از این نیست که کسی به خود اجازه دهد تا برای تجارتی یا عادلانه‌تر کردن قراردادهای منعقدشده میان افراد، شرایطی داخل در قرارداد نماید که خود طرفین قرارداد آن شرایط را مقرر نکرده‌اند. تنها در موارد ضروری و برای مؤثر کردن معامله از حیث تجاری می‌توان با استفاده از تفسیر، معانی و مفاهیمی را از قرارداد استخراج کرد» (Adams, et. al, 2011, p.339). در این پرونده، اشتباه مدیرعامل هرچند با تصور نادرست او همراه بوده و اگر می‌دانست به هیچ قصد چنین رفتاری از او سر نمی‌زد، اما باین حال در مقابل نفوذ معاملات و استحکام قراردادها از درجه اعتبار ساقط است.

در پرونده اسمیت علیه هوگس^۱ نیز، دادگاه با وجود اشتباه خواهان در تشخیص جو صحرائی کهنه از تازه، قرارداد را باطل اعلام نمی‌کند و باینکه اشتباه صرف در وصف و کیفیت موضوع نمی‌تواند موجب ابطال قرارداد شود، اشتباه خوانده را نمی‌پذیرد. این دعوا رویکرد مضیق حقوق انگلیس را نسبت به اشتباه در اوصاف موضوع معامله نشان می‌دهد (MacMilln, 2010, p.72-74)؛ زیرا اشتباه در خرید جو تازه به جای کهنه را که کاربرد خاصی برای خریدار داشت، اشتباهی اساسی تلقی می‌کند اما باین حال، دادگاه آن را اشتباهی مؤثر قلمداد نمی‌کند و به طور متعارف، خواهان باید قادر به تشخیص تفاوت ظاهری جوی تازه و کهنه باشد. رویکرد دادگاه در هر دو دعوی مذکور منصرف از دیدگاه ذهنی گرایانه است.

همچنین در دعوی سول علیه بوتر^۲، عدم آگاهی موجر از حداکثر بهای قابل مطالبه که ۱۴۰ پوند در هر سال می‌باشد، پذیرفته نشد و قاضی دنینگ باینکه «هر اشتباهی (حتی اگر در وصف اساسی باشد) نباید موجب ابطال قرارداد شود»، بر اهمیت استحکام معاملات و نظم اقتصادی تأکید می‌کند (Burton, 2009, p.29) که از اهداف رویکرد

1. Smith V Hughes, 1870-71) LR 6 QB 597, All ER Rep 632; (1871) 19 WR 1059

2. Soll V Buther, 1950,1 KB 671

عینی‌گرایی است؛ اما در نتیجه نهایی نیز معتقد است «هرچند صرفاً باید بر پایه قاعده انصاف اشتباه اساسی را مؤثر تلقی کرد» (Perillo, 2000, p 74-76)؛ بنابراین، قرارداد اجاره باطل اعلام شد و به خواهان اختیار انعقاد یک قرارداد اجاره دیگر باقیمتی متعارف داده شد. این پرونده از نظر شیوه استدلال شبیه دو پرونده قبل است اما مطابق قاعده انصاف نتیجه متفاوتی حاصل شد.

به‌طور کلی، در حقوق انگلیس اشتباه ذهنی شخص در جنبه اساسی موجب ابطال قرارداد نمی‌شود و از ظاهر قرارداد به دلیل استحکام معاملات و نظم اقتصادی حمایت می‌شود؛ اما در موارد استثنایی با تمسک به قواعد انصاف، قرارداد باطل می‌شود.

۴-۲-۴. اشتباه در شخص طرف معامله

در حقوق انگلیس اشتباه در شخص معامله از پیچیدگی بیشتری داشته و دو حالت مختلف در نظر گرفته شده است. حالت اول جایی است که شخصی فریبکار همراه با سوءنیت با جا زدن خود بجای دیگری قراردادی را با یک شخص منعقد می‌کند و در حالت دوم صرفاً یک طرف در مورد هویت طرف دیگر دچار اشتباه می‌شود (Richards, 2011, p.275). رویه قضایی کشور انگلیس برخلاف حقوق ایران در زمانی که معامله حضوری و یا از راه دور باشد، حالت‌های متفاوتی را مطرح می‌کند. از این رو، این دو حالت جداگانه بررسی می‌شود.

۴-۲-۴-۱. اشتباه در شخص در معاملات از راه دور

در این خصوص می‌توان به دعوای کوندی علیه لیندسی^۱ اشاره کرد که شخصی به نام بلنکارن^۲ برای خرید پارچه‌های نخی از طریق نامه به خواهان ایجاب می‌دهد. او نامه‌های خود را به‌گونه‌ای امضا می‌کند که عبارت بلنکارن و شرکا^۳ از آن استنباط می‌شد و

1. Cundy v Lindsay, (1877-78) LR 3 App Cas 459, All ER Rep 1149

2. Blankarn

3. Blenkiron & Co.



فروشنندگان مدعی بودند که تنها حاضر به معامله با شرکت معتبر بوده‌اند نه آقای الفرد بلنکارن. دادگاه اظهار داشت: «در این پرونده نمی‌توان تصور وجود قراردادی میان خوانده و بلنکارن (شخص شیاد) داشت زیرا فروشنندگان اساساً با وی قصد معامله نداشته‌اند و هیچ توافق ذهنی یا اراده باطنی که بتواند منتهی به توافق یا قراردادی شود، وجود نداشته است»؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که به‌هیچ‌وجه قراردادی بین فروشنندگان پارچه و شخص شیاد منعقد نشده است (Perillo, 2000, p.45-47).

اظهار خواهان (فروشنندگان) مبنی بر اینکه ایشان صرفاً قصد معامله با شرکت بلنکارن و شرکا را داشته‌اند، ذهنی گرایانه است زیرا دادگاه نیز با صحه بر این استدلال به توافق ذهنی اعتنا کرده و در نتیجه بر همان اساس قرارداد را منعقد نشده دانست.

بنابراین حقوق انگلیس در خصوص اشتباه راجع به هویت شخص قرارداد در معاملات از راه دور، با تأثیر از نظام حقوقی فرانسه معیار ذهنی را برگزیده است و با تأکید بر ذهنیت اشخاص در انعقاد معاملات از راه دور به ملاک‌های شخصی و ذهنی اشاره دارد (Ibid, 2000, p.45).

۲-۴-۲. اشتباه در شخص معاملات حضوری

در معاملات حضوری می‌توان به دعوی آوری علیه لویس،^۱ اشاره کرد که لویس ماشین خود را به فردی (شخص متقلب) که خود را بجای ریچارد گرین، بازیگر نقش رابین‌هود جا زده بود، در ازای یک چک به همراه کارت ورود ریچاردگرین به استودیو فیلم‌برداری، تحویل می‌دهد. متقلب نیز ماشین را به یک شخص با حسن نیت می‌فروشد. پس از بلامحل شدن چک، صاحب اتومبیل علیه شخص ثالث با حسن نیت که ماشین را از شخص متقلب خریده بود، اقامه دعوا می‌کند. دادگاه با بررسی پرونده بیان داشت: «وقتی که معامله‌ای بین فروشنده [صاحب اتومبیل] و خریدار [شخص متقلب] منعقد می‌شود، علی‌رغم جعل هویت اماره‌ای حقوقی مبنی بر اعتبار قرارداد وجود دارد زیرا

1. Lewis v Averay [1972] 1 QB 198

قرارداد با همان شخصی به صورت حضوری منعقدشده و خواهان اقدام اندکی برای تعیین هویت شخص متقلب کرده است» (Turner, 2011: pp 70-71). به گفته قاضی لرد دنینگ، «قرارداد به دلیل معامله حضوری و اصطلاحاً رودرو (face to face)، معتبر است و فروشنده قبل از انتقال به شخص ثالث با حسن نیت بر پایه تقلب می‌توانست قرارداد را باطل سازد؛ اما پس از انتقال به ثالث، قرارداد به جهت حفظ حقوق ثالث با حسن نیت قابل ابطال نیست» (poole, 2016, p.93).

پرونده مذکور حائز دو نکته مهم است: اولاً: دادگاه اعتبار معامله را بر پایه اشتباه متزلزل نمی‌کند؛ زیرا معامله حضوری و رودرو بوده و خواهان هم اقدامی برای تعیین هویت شخص متقلب انجام نداده است. ثانیاً: دادگاه معامله را بر پایه تقلب قابل ابطال می‌دانسته اما به جهت حفظ حقوق شخص ثالث با حسن نیت، معامله را غیر قابل ابطال می‌داند. رویکرد حقوق انگلیس در خصوص معاملات حضوری، بر عینی‌گرایی منطبق است زیرا با وجود این واقعیت که در معامله اشتباه ذهنی صورت گرفته است اما به دلیل اینکه مدعی اشتباه در معامله حضوری، هیچ اقدامی برای شناخت هویت شخص انجام نداده است، با رد اشتباه بر اساس ذهنیت مشتبه، معامله را قابل ابطال نمی‌داند.

۵. نتیجه‌گیری

اشتباه در حقوق ایران بر مبنای عیب اراده صرفاً در دو حالت مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفته است: ۱) اشتباه در خود موضوع معامله و ۲) اشتباه در شخص در زمانی که شخصیت طرف مقابل علت عمده عقد باشد. اشتباه در خود موضوع معامله، به معنی اشتباه در صورت عرفی مورد معامله است و عمده بودن علت عقد در اشتباه شخص، با بررسی ماهیت عقد و حسن مهارت طرف مقابل مشخص می‌شود. اشتباه نیز بر اساس مؤلفه عینی ظاهر عقد، معانی عرفیه الفاظ و قرائن و نشانه‌های خارجی و داوری انسانی متعارف تشخیص داده می‌شود.

در حقوق انگلیس، اشتباه باید متعارف باشد و شخص مدعی اشتباه نیز اقدامات متعارفی برای شناخت واقعیت انجام دهد. همچنین طرف مقابل نیز باید دچار اشتباه



شده یا از آن آگاه باشد. این خصوصیت به معنی این است که صرف اشتباه ذهنی یکطرف مؤثر در عقد نیست. در موضوعات قراردادی نیز اشتباه در جنبه اساسی قرارداد موضوعیت ندارد و صرفاً اشتباه در موضوع قرارداد و اشتباه در طرف مقابل واجد اثر است. در خصوص اشتباه در شخص طرف معامله، به جز اشتباه در معاملات حضوری، در سایر موضوعات، اشتباه با رویکرد عینی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. با مقایسه رویکرد دو نظام حقوقی ایران و انگلیس مشخص شد، در هر دو نظام رویکرد غالب، عینی‌گرایی است اما نظام حقوقی انگلیس با توجه به اینکه در موارد نادری ذهنی‌گرا عمل می‌کند، در دسته‌بندی عینی‌گرایی میانه قرار دارد؛ و حقوق ایران با تأکید بر اراده طرفین و عینیت دادن به این قالب، عینی‌گرایی حداقلی را اعمال می‌کند.

۶. منابع

۱-۶. منابع فارسی

الف) کتب

- ۱) جعفری لنگرودی، محمدجعفر، تأثیر اراده در حقوق مدنی، چ ۳، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۲.
- ۲) شهیدی، مهدی، اصول قراردادها و تعهدات، چ ۴، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۸.
- ۳) شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، ج ۱، چ ۸، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۰.
- ۴) صفایی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی جلد دوم قواعد عمومی قراردادها، چ ۲، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳.
- ۵) صفایی، سید حسین، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، چ ۱، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۵.
- ۶) فروغی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا، چ ۱، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۹۵.
- ۷) قنواتی، جلیل، مطالعه تطبیقی ایجاب و قبول، چ ۱، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۳.

- ۸) کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چ ۵۵، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۷.
- ۹) کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی قرارداد- ایقاع، چ ۱۴، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴.
- ۱۰) کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها ج ۱، چ ۴، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۹.

ب) مقالات

- ۱۱) بیگدلی، سعید، مالکی، اعظم، «جایگاه اراده ظاهری و باطنی در فقه و حقوق موضوعه»، حقوقی دادگستری، شماره ۸۰، زمستان ۱۳۹۱.
- ۱۲) صادقی مقدم، محمدحسن، شکوهی زاده، رضا، «نگاهی اجمالی به نظریه‌های ذهنی و عینی در سببیت عقود». مطالعات حقوق خصوصی، ۴۰(۱۰۱)، ۱۳۸۹.
- ۱۳) موسوی بجنوردی، سید محمد، ملیحی، سید مصطفی، «بررسی تطبیقی ماهیت اراده و آثار آن در نظام حقوقی ایران، فرانسه و آلمان با تکیه بر آرای امام خمینی (ره)»، پژوهشنامه متین، سال هفدهم، شماره ۶۸، پاییز ۱۳۹۴.

ج) پایان‌نامه‌ها

- ۱۴) استادی، مونا، تئوری نمایندگی ظاهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه کاشان، ۱۳۸۷.
- ۱۵) کشاورزی ولدانی، مرتضی، حاکمیت اراده ظاهری در متون فقه امامیه، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری، رساله دکتری تخصصی، ۱۳۹۶.

د) آرای قضایی

- ۱۶) رأی صادره از شعبه هشتم دیوان عالی کشور شماره ۵۸۷، مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۵

۱۷) رأی صادره از شعبه سوم دیوان عالی کشور شماره ۱۴۶۲، مورخ ۱۳۱۷/۰۶/۳۱
۱۸) رأی صادره از شعبه ۳۵ دادگاه تجدیدنظر حقوقی استان تهران به شماره دادنامه
۱۳۹۲/۰۶/۲۴ ۹۲۰۹۹۷۲۲۳۵۰۰۷۲۵

۲-۶. منابع عربی

- ۱۹) انصاری، مرتضی، المکاسب ج ۶، چ ۶، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۵.
۲۰) آل کاشف الغطاء، سید محمدحسین، تحریرالمجله، ج ۲، مکتبه النجاح و مکتبه
فیروزآبادی، قم، ۱۳۵۹ ق.
۲۱) خمینی، سید روح الله، ترجمه تحریر الوسيله امام خمینی، ج ۲، چ ۴، مؤسسه تنظیم و
نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، ۱۳۹۲.
۲۲) خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، به کوشش میرزاعلی توحیدی، قم، انتشارات
وجدانی، بی تا.
۲۳) طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم، حاشیه المکاسب ج ۲، چ ۴، قم، مؤسسه
اسماعیلیان، ۱۳۷۸.
۲۴) کاظمی خراسانی، شیخ محمدعلی، فوائدالصول ج ۱، چ ۱۲، قم، دفتر انتشارات
اسلامی، ۱۴۳۸.
۲۵) معروف الحسنی، هاشم، نظریه العقد فی الفقه جعفری، چ ۱، بیروت، مکتبه هاشم، بی
تا.
۲۶) نائینی، محمدحسین، منیه الطالب فی شرح المکاسب ج ۱ و ۲ و ۳، چ ۱، قم، مؤسسه
نشر اسلامی، ۱۴۱۸ ق.

۳-۶. منابع لاتین

A) Books

- 27) Anson, B., Law of contract, London, Oxford University Press, 28th edition, 2002.

- 28) Atiyeh, P.S; Adams, j; Macqueen, H., the sale of goods, Dorest, Dorest press, 10th edition, 2011.
- 29) Burton, S J., the Elements of contract interpretation, Oxford, Oxford University Press, 2nd edition, 2009.
- 30) Catala, p., Droit Des Obligations (Droit Français- Droit Libanais), LGDJ et DELTA et BRUYLANT, 1re édition, 2006.
- 31) Corbin, A., on Contracts: One Volume Edition, Eagan, West Publishing Company, 1952.
- 32) James P, (1979), Introduction to English Law. 9th edition. London.
- 33) Leiter, B., Objectivity and the Problems of Jurisprudence, Texas law review, Vol. 72, 1993.
- 34) Mckeag, E., Mistake in contract, A study on comparative jurisprudence, first AMS Edition, New York, 1st edition, 1968.
- 35) MacMillan, C., Mistake in contract law, London, Hart Publishing, 1th edition, 2010.
- 36) Stone, R., Devenney, J., The Modern LAW of Contract, London, Routwdge publish, 1st edition, 2015.
- 37) Treitel, G.H., the law of contracts, London, sweet and Maxwell, 9th edtion, 1995.
- 38) Turner, C., Contract law, London, UK edition- Trans- Atlantic Pubns, 2nd edition, 2009.
- 39) Turner, C., Unlocking contract law, London, Routledge, 4th edition, 2014
- 40) Turner, C., Contract law, (key case), London, Holder Education, 2nd edition, 2011.
- 41) Seriaux, A., Droit des obligation, Presses universitaires de france, 2nd edition, Mars 1998.
- 42) Richardson, A. , Bowden, J., A new dictionary of Christian theology, SCM Press, 1983.
- 43) Richards, P., Law of contract, Longman-Pearson, London, 9th edition, 2011.
- 44) Williston, S., The Law of Contracts, Baker, Voorhis & Company, volume 1, 1920.



- 45) Upex, R., Davies on contract, sweet and Maxwell, London, 9th edition, 2004

B) Articles

- 46) Barnes, W., The French Subjective Theory of Contract: Separating Rhetoric from Reality, Tulane Law Review, Vol. 83:359, 2008.
47) Perillo, J., Contract, The Origins of the Objective Theory of Contract Formation and Interpretation, published in Fordham Law Review, Vol.69, No. 2, November 2000.

C) Documents

- 48) Bell v Lever Brothers Ltd, UKHL 2,, AC 161,, All ER 1
49) Cundy v Lindsay, (1877-78) LR 3 App Cas 459, All ER Rep 1149
50) Hartog V Colin and Shields, {1939} 3 All E.R.566
51) OT Africa Line Ltd v Vickers Plc [1996] 1 Lloyd's Rep.
52) Lewis v Averay [1972] 1 QB 198
53) Soll V Buther, 1950,1 KB 671
54) Smith v Hughes (1871) L.R. 6 Q.B
55) Tamplin v James (1980)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Studying the Contractual Mistake in Iranian and English Legal Systems Based On the Objectivism and Subjectivism Approach

Mohammad Hussein Nootizehi^{1*}, Jalil Ghanavati²

1. Ph.D Student in Private Law, Farabi Campus of Tehran University, Qom, Iran

2. Associate Professor in Private Law, Faculty of Law, Farabi Campus of Tehran University, Qom, Iran

Receive: 05/09/2021

Accept: 10/07/2022

Abstract

An important condition for a contract to be concluded, is the agreement of the parties; but this agreement may be disrupted due to a mistake. Recognizing a contractual mistake and locating the boundaries of which is done based on two approaches: Objectivism and Subjectivism. According to the subjective approach, the parties' mentality and attitude state forms the contract, and in case of a contradiction in their mentality towards the contract, their mentality state is given precedence. But, in the Objective approach, objective criteria determine the conclusion of the contract in case of having disagreements, and the contract is concluded based upon the parties' apparent agreement. The key question addressed by the authors in this essay is that which of the aforementioned approaches is used to identify the contractual mistake and establish the parameters of its indemnification under legal systems of Iran and England? Contrary to what is generally said, Iran's legal system is Objective just like the England. In this research, which is based on the analytical-descriptive method, the authors first identify the basic similarities and differences of Iranian and English legal systems, and by examining the issues related to contractual mistake, by rejecting the purely subjective approach, they identify the state of objectivism in the two mentioned systems.

Keywords: Mistake as to the Subject Matter of a Contract, Mistake as to identity of Contracting Party, Objectivism, Subjectivism.

* Corresponding author's E-mail: mm.nootizehi@gmail.com